



حکومت ساسانیان

ساسانیان از آغاز تا پایان - مهارت‌ها (تاریخچه حکومت ساسانیان)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۵ بهمن ۱۳۹۶ - ۲۷ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

در اواخر عمر سلسله اشکانی، ادامه کشمکش میان بزرگان کشور، موجب نارضایتی دو گروه از آنان از دولت اشکانی گردید. گروه اول موبدان بودند که از سیاست آزادی دینی شاهان اشکانی برای دین زرتشتی احساس نگرانی می‌کردند. از یک سو آزادی عمل ادیان مسیحی و بودائی تهدیدی علیه دین زرتشت تلقی می‌گردید و از سوی دیگر فقدان اتحاد موبدان توان زرتشتیان را کاهش می‌داد. فقدان اتحاد میان موبدان در اصل ناشی از عدم درپیش گرفتن یک مشی سیاسی و دینی واحد و متمرکز در کشور از طرف دولت اشکانی بود. گروه دوم، اسواران یعنی هسته‌ا



در اواخر عمر سلسله اشکانی، ادامه کشمکش میان بزرگان کشور، موجب نارضایتی دو گروه از آنان از دولت اشکانی گردید. گروه اول موبدان بودند که از سیاست آزادی دینی شاهان اشکانی برای دین زرتشتی احساس نگرانی می کردند.

از یک سو آزادی عمل ادیان مسیحی و بودائی تهدیدی علیه دین زرتشت تلقی کی گردید و از سوی دیگر فقدان اتحاد موبدان توان زرتشتیان را کاهش می داد. فقدان اتحاد میان موبدان در اصل ناشی از عدم در پیش گرفتن یک مشی سیاسی و دینی واحد و متمرکز در کشور از طرف دولت اشکانی بود.

گروه دوم، اسواران یعنی هسته اصلی سپاه بودند. اسواران که راه اصلی پیشرفت اقتصادی آنان در فتح سرزمینهای جدید قرار داشت سیاست دفاعی اشکانیان در برابر رومیان و به خصوص شکست هایی را که در اواخر کار متحمل شد، دلیل بر بی لیاقتی آنان می دانستند فرماندهان اسواران خواهان تاسیس ارتشی واحد به جای ارتش ملوک

الطوایفی برای مقابله با رومیان و کسب فتوحات بودند .

خاندان ساسان در پارس - تاریخچه شکل گیری حکومت ساسانیان

نیروی اصلی مخالفین دولت اشکانی در پارس قرار داشت . ایالت پارس به عنوان خاستگاه دولت قدیم هخامنشی همچنان اهمیت بسیار داشت . به علاوه تعدادی از بزرگان کشور که از خاندانهای قدیمی به شمار می آمدند ، در آنجا زندگی می کردند و دارای زمین ، نیروی سواره نظام یا مشاغل دینی بودند . از جمله خاندانهای قدیمی پارس ، خاندان ساسان بود که نسبت خود را به هخامنشیانمی رساندند .

ساسان بزرگ این خاندان ، درشهر استخر ریاست معبد آناهیتا را بر عهده داشت . شهر استخر در نزدیکی تخت جمشید پایتخت هخامنشیان واقع بود و معبد آن از معابد مهم محسوب می گردید . ساسان به مانند بسیاری از بزرگان پارس از اشکانیان رضایتی نداشت و به طور کلی در زمان تاسیس سلسله اشکانی ، ایالت پارس در برابر آن مقاومت نموده و استقلال داخلی خود را حفظ کرده بود .

چون ساسان با دختر فرمانروای پارس ازدواج کرد علاوه بر مقام دینی صاحب موقعیت سیاسی نیز شد . به خصوص آنکه از این ازدواج پسری به دنیا آمد که به حکومت (پادشاهی پارس رسید . این پسر بابک نام داشت و در زمان حکومت او اعتبار و نفوذ خاندان ساسان بیش از پیش گردید .

این امر موجب نگرانی اردوان آخرین پادشاه اشکانی گشت زیرا از دشمنی خاندان ساسان با دولت اشکانی مطلع بود و می دانست که اردشیر پسر بابک تا چه اندازه علیه دولت اشکانی فعالیت می کند . به همین جهت از بابک خواست که پس از خود اردشیر را به حکومت پارس منصوب نماید .

اردشیر در زمان پدر ، فرماندهی اسواران را بر عهده داشت بدین ترتیب در دشمنی و مخالفت با اشکانیان راسخ تر گردید و تلاش نمود به منظور سرنگونی اشکانیان ، بزرگان و موبدان ناراضی را با خود همراه سازد .

اردشیر و تاسیس دولت ساسانی

اردشیر با توسل به نیروی نظامی حکومت پارس را در دست گرفت و بدین ترتیب طغیان خویش را علیه اردوان پادشاه اشکانی را آشکار ساخت . اردوان کوشید تا او را به وسیله بزرگان متحد خود در هم بکوبد لیکن پیشدستی اردشیر پیروزی بزرگی برای او به دنبال آورد . در نتیجه اردوان خود به مقابله اردشیر شتافت ، اما او نیز شکست خورد و در میدان جنگ کشته شد . با قتل اردوان دولت اشکانی به پایان رسید و دولت ساسانی تاسیس گردید . بدین ترتیب اردشیر از پادشاهی پارس به شاهی ایران رسید و با کمک بزرگان متحد خود بقایای قدرت خانواده های متحد اشکانی را در هم شکست . اردشیر در فتوحات خود در داخل ایران قدرت ملوک الطوایف را از میان برداشت و آن دسته از ملوک الطوایف را که با او همراهی نمودند در دربار دولت مرکزی خود به مقامات عالیه رساندند . در نتیجه همراه با برچیدن نظام ملوک الطوایفی دولت متمرکز و بر اساس وحدت سیاسی به وجود آمد . این تحول مستلزم

ایجاد تشکیلات اداری مناسب برای اداره کشور بود. به همین منظور نظام اداری گسترده ای به وجود آمد که مقام عالیه آن بزرگ فرمذار یا وزیر اعظم بود. وزیر اعظم از بزرگان متحد خاندان ساسانی بود و در زیر دست او دیگر مقامات کشوری، لشکری، مالی، قضایی قرار داشتند.

ایجاد وحدت دینی در حکومت ساسانیان

عملیات نظامی اردشیر علیه اشکانیان و تلاشهای سیاسی او برای جلب همراهی بزرگان، توأم با مشارکت موبدان بود. اردشیر نیز مانند جدش ساسان به اصلاح امور دینی علاقه نشان می داد و موبدان در این مورد با او همراه بودند. اردشیر بر این باور بود که علت تفرقه دینی زرتشتیان تعدد حکومتهای ملوک الطوایفی است زیرا هر پادشاهی در هر ایالتی دارای آتشکده ای است که امور دینی آن مستقل از دیگر آتشکده ها می باشد. لذا استقرار مرکزیت سیاسی و حذف شاهان محلی، راه را برای وحدت و تمرکز در امور دینی هموار خواهد ساخت. بدین جهت مقام موبد موبدان در دولت ساسانی دارای اهمیتی خاص گردید. موبد موبدان ریاست تمامی موبدان و اداره آتشکده ها را بر عهده داشت. بدین ترتیب اردشیر اول که از سال ۲۲۶ تا ۲۴۱ م، پادشاهی کرد با تاسیس دولت ساسانی چند اقدام مهم انجام داد:

اقدامات مهم اردشیر اول ساسانی

۱- تقسیم مردم به طبقات مختلف و تعیین حداقل معیشت و امکانات

۲- ایجاد مرکز سیاسی و از بین بردن ملوک طوایفی دوره اشکانی

۳- احیای سپاه جاویدان مانند هخامنشیان

۴- توجه ویژه به امنیت عمومی توسط مامورانی که

از مرکز به نقاط مختلف فرستاده می شدند

۵- ایجاد وحدت دینی

۶- تصرف هند تا پنجاب

پادشاهی شاپور اول {۲۴۰ تا ۲۷۲ میلادی}

بیشتر ایام پادشاهی اردشیر صرف امور داخلی کشور شد و فقط یکبار فرصت یافت توانایی دولت جدید را در جنگ با رومیان به نمایش گذارد. اما پسر و جانشین او شاپور اول بیشتر وقت خود را صرف فتوحات و کشور گشایی کرد.

شاپور اول پسر اردشیر بابکان در آغاز سلطنت با طغیان حران و ارمنستان مواجه شد او به راحتی شورش ارمنستان را خواباند اما مردم حران چنان مقاومتی از خود نشان دادند که سرکوب آن غیر ممکن می‌نمود. سر انجام با خیانت شاهزاده حران دروازه باز و شاپور همه را از جمله شاهزاده را می‌کشد.

او پس از فتح حران شهرهای کرمان، خوزستان، عمان، مکران، غرب، خراسان و توران را فتح می‌کند. نخستین جنگ شاپور با رومیان {از ۲۴۱ تا ۲۴۴ میلادی} بود. شاپور پس از فتوحات خود متوجه روم شد و نبردی با آن دولت کرد در نبرد اول پس از تصرف انطاکیه و نصیبین از گردین شکست خورد و نصیبین از دست او رفت. گردین توسط سردارانش کشته شد و پس از او فیلیپ عرب به پادشاهی رسید.

او مصالحه‌ای با ایران امضا کرد که در آن بین النهرین و ارمنستان به ایران بازگردانده شود. دومین جنگ شاپور با رومیان {از ۲۴۴ تا ۲۷۲ میلادی} شاپور مانند جنگ اول خود از فرات گذشت و نواحی اطراف آن را تصرف کرد و وقتی نیروهای رومی به نزدیکی اردوهای ساسانی رسیدند آنان را در چنان تنگنایی قرار داد که «والرین» امپراتور روم و بسیاری از سپاهیان‌اش اسیر شدند او از اسیران جنگی برای ساختن پل و سد شوش استفاده کرد. او پس از شکست رومیان شهرهای آسیای صغیر، کاپادوکیه را کاملاً فتح و از پلمیر شکست خورد. وی به سال ۲۷۲ میلادی درگذشت. شاپور دوم {از ۳۱۱ تا ۳۷۹ میلادی} شاپور چشم به جهان نگشوده پادشاه بود و چون ۱۶ ساله شد زمام کشور را به دست گرفت.

برخی از مورخان به او لقب کبیر را داده‌اند. اگر انوشیروان در این سلسله نبود مسلماً او نقطه اوج قدرت ساسانیان بود. شاپور در ابتدا از قدرت درباریان کاست {که از زمان کودکی او اختیارات بسیاری داشتند} و از مرزهای عرب نشین دفاع کرد. تصرف بحرین، در زمان او اتفاق افتاد. ظاهراً شاپور در طی جنگ با اعراب کتف هایشان را سوراخ می‌کرد از این رو او را «ذوالاکتاف» می‌خواندند.

با مرگ قسطنطین و تیرداد امپراتوران روم و ارمنستان در سال‌های ۳۳۷ و ۳۱۴ میلادی شاپور بر سر ارمنستان با روم جنگید. بدین ترتیب ارمنستان دوباره دست ایران افتاد. پس از این کار او اعراب و بت پرستان «آن‌ها از کشور ارمنستان بودند» را تحریک به حمله به روم کرد، آن‌ها موقتاً شکست خوردند. شاپور به روم حمله و نصیبین را محاصره کرد ولی از عهده شان بر نیامد با این حال سپاه روم را در دشت شکست داده بود و در این زمان با ارمنستان پیمان دوستی بست {۳۴۱ میلادی}. شاپور در سال ۳۴۲ میلادی بر بین النهرین حمله برد و در سنجار کنونی با سپاه کنستانتینوس رو در رو شد.

رومیان در این نبرد شکستی فاحش یافته و قتل عام شدند. به او در زمانی که پیروزی بر نصیبین را نزدیک می‌دید خبر رسید که کوشانیان کوچک و هیاطله خیون‌ها بر مرزهای شرقی حمله بردند او مدت ۷ سال با آنان جنگید تا توانست بر آنان پیروز شود {۳۵۰-۳۵۷}.

اما شاپور پیش جنگ با کوشانیان کوچک و هیاطله پیمان صلحی با رومیان بست که به شرح زیر است:

شرح صلحنامه ایران (ساسانیان و روم - ۳۵۶ میلادی)

شاپور اول برای او چنین نوشت: "شاپور، شاه شاهان، برادر مهر و ماه و همتای ستارگان به برادر خود کنستانتیوس سلام می‌رساند و خوش وقت است از این که امپراتور در اثر کسب تجربه به راه راست باز گشته‌است. نیاکان من قلمرو خود را تا رود استریمونو حدود مقدونیه گسترش داده بودند. من در جلال و عظمت و فضیلت بر همه نیاکانم برتری داشتم و وظیفه خود می‌دانم که ارمنستان و بین النهرین را که به حيله و تزویر از نیاکانم به در کردند، باز ستانم. این سرزمین‌های کوچک را که تنها موجب نفاق و خونریزی است، به من باز پس دهید؛ و به شما می‌گویم که اگر سفیر من بدون پاسخ مثبت باز گردد، پس از انقضای زمستان با تمام نیروی خویش به جنگ شما خواهم آمد.

"امپراتور روم «کنستانتیوس گشاینده دریاها و خشکی‌ها و خداوند فر و شکوه جاودانی» در پاسخ به «برادرش شاپور» می‌نویسد: «اگر رومیان گاهی دفاع را بر حمله رجحان می‌نهند از بیم و ترس نیست، بلکه از راه مداراست. گر چه رومیان گاهی پیروز نشده‌اند، ولی هرگز نتیجه قطعی جنگ به زیان آنان نبوده‌است.»

امپراتور روم با این پاسخ سبکسرانه نتوانست از وقوع جنگ جلوگیری کند و شاپور دوم تمام سرزمین‌های ذکر شده در نامه را تسخیر کرد و روم را به سختی شکست داد و پادشاه روم سزای پاسخ بیخردانه خود را یافت. در ادامه شاپور بر ارمنستان تاخت و سرزمین‌های بسیاری تصرف کرد. اما سرانجام شکست خورد. او قانونی وضع کرد که دیگر مسیحیت در ایران ممنوع باشد. اگر بعضی خشم‌هایش را نادیده بگیریم او پادشاهی قدرتمند و با اراده بوده‌است. وی در سال ۳۷۹ میلادی در گذشت.

پادشاهی اردشیر دوم ساسانی - ۳۷۹ تا ۳۸۲ میلادی

پس از در گذشت شاپور اول برادر زن او به پادشاهی رسید. وی فردی ضعیف النفس، بی اراده و در عین حال بسیار رعیت پرور، خوش دل، و پاک نیت بود. بر روی سکه‌های به جا مانده از او کلمه نیکوکار (گرب کرتار) مشاهده می‌شود. او در دوران حکومت خود مسیحیان سرزمینی که قبلاً بر آن حکومت می‌کرد {آدیابن} را آزار بسیار می‌داد. به نوشته برخی مورخان وی برادر بزرگ شاپور کبیر بوده‌است. اردشیر دوم پس از ۴ سال سلطنت بی فایده به وسیله بزرگان کشور از مقام خویش خلع گردید

پیدایش آئین مانی در حکومت ساسانی

مسئله تفاوت و تنوع فرهنگی قلمرو شاپور اول را مانی پاسخ مناسب داد. مانی از دانشمندان اوایل دوره ساسانی بود اما تولد و تربیت او متعلق به اواخر دولت اشکانی به شمار می‌آمد. در آن زمان حضور چندین دین و آئین در قلمرو اشکانیان و سیاست آزادی دینی آنان زمینه مناسبی برای آشنایی پیروان ادیان و آئین‌های گوناگون فراهم ساخته بود. در چنین محیطی، مانی با علوم و ادیان متعدد آشنا شد و با مسافرت به نواحی مختلف بر دانش خود افزود و صاحب شهرت گردید. در اواخر حکومت شاپور، مانی به دربار او راه یافت و آیین خود را که آمیزه‌ای از ادیان مسیحی، زرتشتی، بودایی و افکار فلسفی رایج در آن زمان بود به وی عرضه کرد. این آیین در واقع به معنای

منطبق کردن دین ایرانیان با دیگر اعتقادات رایج و بمنزله آئینی بود که با ترکیب همه اعتقادات، سعی در ایجاد یک آیین مشترک داشت. شاپور، آئین مانی را راه حل مناسبی برای وحدت هر چه بیشتر قلمرو خود دانست و از او حمایت کرد. لیکن مخالف موبدان با مانی که اعتقادات او را انحراف و ارتداد می دانستند، شاپور را بر آن داشت تا از حمایت مانی دست بردارد. طولی نکشید که شاپور نیز در گذشت و مانی چاره ای جز خارج شدن از کشور نیافت. این امر اگر چه از موقعیت طرفدارانش در ایران کاست اما در خارج از ایران بخصوص در آسیای مرکزی پیروان فراوانی را برای مانی به دست آورد.

رسمیت یافتن دین زرتشت در حکومت ساسانی

اقدامات و اندیشه های مانی، موبدان را به تکاپوی بیشتری واداشت. از جمله یکی از آنان به نام کرتیر کوشید تا موقعیت دین زرتشتی را بیش از پیش مستحکم سازد. پادشاهان ساسانی پس از شاپور اول نیز تا مدتها افراد ضعیفی بودند. در نتیجه کرتیر در اداره امور کشور نقش مهمی یافت و در پی کوشش های او دین زرتشت به صورت دین رسمی درآمد. در نتیجه اقدامات کرتیر و تعدادی دیگر از موبدان امور آتشکده ها منظم تر گردید و مشاغل و مسئولیت ها در آنها دقیق تر شد. قدرت موبد موبدان در این زمان تا بدان حد رسید که در انتخاب ولیعهد دخالت مستقیم داشت. در هنگام تاجگذاری نیز موبد موبدان تاج بر سر پادشاه جدید می گذاشت.

با رسمی شدن دین زرتشتی از این به بعد کلیه قوانین، محاکمات، احوال شخصی و نیز اقدامات حکومت می بایست مطابق با دین رسمی بود. پیروان ادیان دیگر محدود شدند و در بسیاری از امور ملزم به اطاعت از قوانین و دستورات حکومت مرکزی گشتند. از دیگر اقدامات که همراه با رسمی شدن دین زرتشتی صورت گرفت. اقدام به جمع آوری و تنظیم اوستا بود.

پادشاهی شاپور دوم ساسانی

پس از شاپور اول هفت تن بر تخت سلطنت نشستند. به روزگار آنان به دلیل قوت گرفتن بزرگان و کشمکش میان آنان اوضاع رو به پریشانی نهاد. مهاجمان خارجی نیز مرزها را مورد تعرض قرار دادند. از جمله قبایلی از عربها به سوی مرزهای ایران در بین النهرین سرازیر شده، دست به غارت روستاها و شهر و کشتار مردمان گشودند. به همین جهت اولین اقدام شاپور دوم سرکوب عربهای مهاجم بود. پس از فراغت از عربهای بدوی، اختلافات قدیمی ایران و روم بار دیگر دو کشور را به جنگ کشاند، اما رسیدن خبر تهاجم اقوام بیابانگرد به شمال خراسان، شاپور دوم بر آن داشت تا ابتدا به مقابله آنان بشتابد. از آنجا که حمله اقوام صحرا گرد و بدوی همراه با نابودی بیرحمانه آبادیها، غارت مزارع و قتل مرزنشینان بود، در چنین مواقعی بیم هراس فراوان ساکنان مرزها را فرا می گرفت و به دنبال آن مشکلات زیادی روی می داد. به همین دلیل دفع خطر این مهاجمان ضرورت بسیاری داشت. لشکرکشی به شمال خراسان همراه با موفقیت بود و به دولت ساسانی امکان داد که جنگ ناتمام با رومیان را از سر گیرد.

جنگ حکومت ساسانیان با رومیان

فراغت از جنگ با اقوام مهاجم ، امکان تجمع نیروی بسیار برای مقابله با رومیان را فراهم ساخت . در فاصله حکومت شاپور اول تا شاپور دوم رومیان به برتری سیاسی و نظامی بسیار رسیده بودند . در این زمان امپراطوری روم در حال تجزیه به دو قسمت یکی روم شرقی و روم غربی بود . روم شرقی که بخش مهم سپاهیان رومی را نصیب خود ساخت و قبل از سلطنت رسیدن شاپور دوم در سال ۳۱۰ میلادی قسمتهای وسیعی از نواحی مرزی ایران را تصرف کرد . جنگ های شاپور دوم با رومیان بر سر مسئله ارمنستان آغاز شد ، لشکر عظیمی از رومیان که به مقابله با ایرانیان شتافته بودند به قصد تصرف تیسفون پایتخت ایران در کنار رود دجله قرار داشت با کشتی و با سرعت در رود جله پیشروی کردند و خود را به پای دیوارهای تیسفون رساندند ، اما هنگامی که با مقاومت ایرانیان مواجه شدند دریافتن که به پیروزی نخواهند رسید . این درحالی بود که سواره نظام ایرانیان راه بازگشت را بسته بودند و به خاطر جریان مخالف آب رومیان از کشتی نیز نمی توانستند استفاده کنند . به همین جهت پای پیاده عازم روم شدند، که با تعقیب سواران ایرانی مواجه شدند و عملاً لشکر رومی نابود شد .

به دنبال این حمله پیشروی ایرانیان به طرف غرب آغاز شد و توانستند رومیان را شکست دهند رومیان در پی این شکست حاضر شدند کلیه شرایط ایران را قبول کنند و متعهد شدند در امور ارمنستان دخالت نکنند .

پادشاهی بهرام پنجم

در قرن پنجم میلادی و پس از شاپور دوم ، ده تن از پادشاهان ساسانی حکومت کرده اند که از همه مشهور تر بهرام پنجم معروف به بهرام گور است . در این قرن یکی از مسائل مهم جامعه ساسانی ، مسئله مسیحیان بود .

در قرن چهارم میلادی مسیحیت و مذهب رسمی روم گردید . حمایت دولت روم از مسیحی تبرای دولت ساسانی مشکلات جدیدی را به وجود آورد . زیرا تعدادی از ساکنان مرزهای غربی ایران و بخصوص در ارمنستان عده زیادی مسیحی شده بودند . مسیحیان که از نظر امور دینی خویش متوجه مرکز دینی خود امپراتوری روم شرقی بودند . مدام از جانب دولت ساسانی به اتهام همراهی و همکاری با رومیان تحت فشار قرار می گرفتند . بعلاوه چون هر روز تعدادی از ایرانیان مسیحی می شدند . این امر بر دولت ساسانی و موبدان گران می آمد این گونه امور اوضاع داخلی ایران را نابسامان می ساخت و فرصت به موبدان و بزرگان میداد که می خواستند از سرکوب مسیحیان به سود خود بهره برداری کنند . چنانکه بارها در خصوص اینکه با موبدان با مسیحیان رفتار خوبی نداشتند میان آنها و شاهان ساسانی اختلاف به وجود آمد زیرا شاهان خواستار رفتار خوبی با مسیحیان بودند .

جنگهای بهرام پنجم

در زمان سلطنت بهرام پنجم مسئله مسیحیان موجب اختلاف مجدد میان ایران و روم گردید . در نتیجه طرفین برای جنگی دوباره آماده شدند . اما هجوم قوم بیابانگر هیاطله به شمال خراسان ، پرداختن به آن را برای بهرام پنجم

ضروری تر ساخت . نقشه بهرام در برابر هیاطله غافلگیر ساختن آنان بود و چنین نیز شد . در نتیجه هیاطله درهم شکستند و تا آن سوی رود جیهون فرار کردند . پس از دفع هیاطله جنگ ایران و روم آغاز گردید و با وجود سالها ادامه یافتن لیکن هیچ یک از طرفین غلبه قطعی نیافتند . در نتیجه راضی به صلح شدند . در این صلح مقرر شد مسیحیان در ایران و زرتشتیان در روم آزادی داشته باشند . اما به دلیل مخالفت موبدان به این قرار عمل نشد .

پادشاهی قباد و مسئله مزدکیان

هنگامی که قباد پادشاه ساسانی در سال ۴۸۷ میلادی به سلطنت رسید ، دولت ساسانی دچار مشکلات فراوانی شده بود .

مشکلات حکومت ساسانی به طور خلاصه عبارت بودند از :

- ۱-جنگ های خارجی دولت ساسانی هر چند سال یکبار تکرار می شد .
- ۲-اختلافات پادشاه با بزرگان از جمله مسائلی بود که دولت ساسانی در اوایل به قدرت رسیدن هر پادشاه جدید شاهد آن بود .
- بزرگان (موبدان ، فرماندهان ارتش و ...) که مایل بودند بر قدرت خود بیفزایند و همیشه در صدد بودند پادشاه را تحت نفوذ خود در آورند .
- ۳-کشمکش بزرگان با یکدیگر برای کسب امتیازات بیشتر و مقامات عالیه نیز از کشمکش هایی بود که هیچگاه پایان نیافت .
- ۴-نظام طبقاتی جامعه ساسانی .

بعد از حکومت بهرام گور

پس از بهرام گور بار دیگر هیاطله حملات خود را از سر گرفتند و نواحی مرزی را غارت کردند . پیروز از پادشاهان ساسانی که به مقابله با آنان رفته بود کشته شد . در نتیجه این رویداد ها نابسامانی و مشکلات بسیاری پدید آورد . و کشمکش بزرگی بر سر تعیین ولی عهد به وجود آمده بود .

در چنین شرایطی یکی از بزرگان که مزدک نام داشت و از ولیعهدی کاوس پسر قباد طرفداری می کرد ، نوانست توجه قباد را به خود جلب نماید . علت توجه قباد به مزدک طرفدارانی بود که از او به دست آورده بود . مزدک در شرایط خشکسالی و مشکل عمومی آذوقه ، خواستار توزیع گندم انبارهای دولتی میان مردم شده بود . همچنین او با دست اندازی نظامیان بر اموال و املاک و اسپوهران در آن شرایط موافق نبود . قباد چون توجه مردم را به مزدک دید ، او را به خود نزدیک کرد و با مشاورت او اقداماتی انجام داد . مزدک و طرفدارانش نیز به حمایت از قباد در برابر بزرگان مخالف او پرداختند . به طوریکه قباد فرصت یافت و بزرگان مخالف را کشت.

اقدامات قباد و مزدک نتوانست به سرعت تمامی بزرگان مخالف را سرکوب سازد و در نتیجه تعدادی از آنان فرصت یافتند تا مخالفت خویش را آشکار کرده دست به اقدام بزنند. در این راه موبدان که از مخالفان مزدک بودند و نیز انوشیروان پسر دیگر قباد با آنان همراهی نمودند. آنان با عنوان کردن ولیعهدی انوشیروان در برابر کاوس حمایت جمعی از درباریان را نیز به دست آوردند. چون این گروه بر مخالفت خود با قباد افزودند و او که اساس سلطنت خانواده خود را در خطر می دید با انوشیروان همراهی کرد و از مزدکیان روی گرداند. به دنبال آن مزدک و هواداران او به قتل رسیدند. ماجرای مزدکیان ظاهراً خاتمه یافت و در پایان این ماجرا انوشیروان پادشاه ایران شد.

پادشاهی انوشیروان عادل

انوشیروان در نخستین سالهای سلطنت خود به سرکوب بقایای مزدکیان پرداخت و آن دسته از بزرگان و نظامیانی را که با مزدک همراهی کرده بودند مجازات نمود. انوشیروان در زمان سلطنت خود دست به اصلاحاتی زد از جمله، شیوه سازماندهی نظامیان را تغییر داد، آنچنانکه هم نظارت بهتری بر آن اعمال گردد و هم تحرک بیشتری برای مقابله با تهاجمات خارجی داشته باشد. همچنین او روش پرداخت حقوق نظامیان را عوض کرد و بدین ترتیب آنانرا آرام ساخت. از دیگر اقدامات انوشیروان تغییر روش مالیات گیری و رسیدگی به شکایات بود چنانکه مامورانی برای رسیدگی به اعمال حکام و بررسی شکایت مردم به ولایات اعزام داشت. این اقدامات بیشتر متکی به توانایی های فردی انوشیروان بود اوضاع را منظم و آرام ساخت. در حقیقت انوشیروان دولت ساسانیان را بار دیگر قدرتمند ساخت و به همین جهت از معروفترین پادشاهان آن سلسله به شمار می رود. در اوایل سلطنت انوشیروان به دلیل نابسامانی اوضاع داخلی او در صدد برآمد با دولت روم راه دوستی را بپیماید. امپراتور روم، ژوستی نین نیز چون در نظر داشت در اروپا دست به لشکر کشی هایی بزند پیشنهاد صلح او را پذیرفت. پس از صلح و سازش دو دولت، ژوستی نین موفق به فتوحات بسیاری در نواحی شمالی شد. انوشیروان از مشاهده قدرتمندی او نگران گردید. تا این زمان او نیز به آرام ساختن اوضاع داخلی موفق شده بود. در نتیجه در جستجوی فرصتی در پی اختلاف دو دولت حیره و غسان به دست آمد. حیره دولتی عربی بود که در مرزهای ایران قرار داشت و تابع دولت ساسانی بود. غسان نیز دولت عربی بود که در شام واقع شده و تابع دولت روم به شمار می رفت. اختلافات میان حیره و غسان و مداخله ژوستی نین فرصت مناسب را برای اعلان جنگ به روم فراهم کرد. لذا او با سپاهی بزرگ به سمت شام حرکت کرد و با فتح آن سرزمین گرامتی سنگین بر رومیان بست. سپس در جنگی دیگر باز بر رومیان شکست وارد ساخت و شرایط خود را به آنها قبولاند. انوشیروان همچنین در جنگهای بعدی توانست با شکست و اخراج حبشی ها از یمن، کشور یمن را تابع دولت ایران ساختند. همچنین سپاهیان ایران با متحد شدن با ترکان در آسیای مرکزی توانستند شکست سختی به اقوام هیاطله وارد سازند.

پادشاهی خسرو پرویز

پس از انوشیروان، پسرش هرمز چهارم به سلطنت رسید. در زمان او بزرگان کشور قدرت بسیار یافتند و بیشتر وقت هرمز صرف محدود نمودن اعمال آنان گشت. از جمله این بزرگان شخصی به نام بهرام چوبین که از فرماندهان

ارتش بود. در آن زمان ترکان به شمال خراسان حمله ور شدند، بهرام به جنگ علیه آنها رفت و توانست پیروزی بزرگی کسب کند. شهرت فراوان بهرام سبب نگرانی هرمز شد و در بازگشت از بهرام استقبال خوبی نکرد این امر باعث طغیان بهرام شد، در شورش بزرگ هرمز به قتل رسید و بهرام چوبین به پادشاهی ایران رسید. در هنگام شورش یکی از پسران هرمز به نام خسرو پرویز از ایران فرار کرد و پناهنده دولت روم شد، دولت روم با گرفتن امتیازات فراوان لشکری عظیم در اختیار خسرو پرویز قرار داد. خسرو پرویز توانست با کمک سپاهیان روم بهرام چوبین را شکست دهد و خودش پادشاه ایران شود خسرو پرویز پس از رسیدن به سلطنت برای خود درباری بسیار پرتجمل ترتیب داد. در دربار او مسیحیان که تا آن زمان تحت فشار بودند، نفوذ بسیار یافتند. زیرا یکی از زنان خسرو به نام مریم دختر امپراتور روم بود و یکی دیگر از زنانش به نام شیرین نیز مسیحی بود. این امر مورد موافقت موبدان نبود اما خشونت خسرو، امکان نمی داد کسی با او مخالفت کند.

مدتی از سلطنت خسرو پرویز نگذشته بود که پدر زن او قیصر روم طی شورش به قتل رسید. خسرو پرویز که در جستجوی فرصتی برای کشور گشایی بود، خونخواهی امپراتور روم را بهانه قرار داد و نیروی عظیمی برای جنگ فراهم ساخت. لشکریان خسرو پرویز از دو سمت وارد قلمرو رومیان شدند. یک قسمت از سپاهیان متوجه شام شدند و پس از تصرف سوریه و فلسطین و لبنان به دریای مدیترانه رسیدند.

قسمت دیگر سپاه وارد آسیای صغیر شدند و به سوی قسطنطنیه پایتخت روم پیشروی کردند. فتوحات که سپاهیان ایرانی تا این زمان انجام دادند مرهون زحمات و فداکاریهای دو سردار معروف به نامهای شهربراز و شاهین بود. شهربراز در آخرین حد پیشروی خود مصر را نیز فتح کرد و شاهین به دروازه های قسطنطنیه رسید. تا این زمان بیش از ده سال از شروع دوباره جنگهای ایران و روم می گذشت.

هراکلیوس به خسرو پرویز پیشنهاد صلح داد سرداران ایرانی نیز به خاتمه پیشروی نظر داشتند. زیرا سپاهیان ایرانی به سواحل دریای مدیترانه و سیاه رسیده بودند و ادامه نبرد فقط با نیروی دریایی ممکن بود. در حالیکه ایرانیان فاقد نیروی دریایی و روم دارای نیروی دریایی پر قدرتی بود. اما خسرو پرویز که سخت مغرور شده بود و شوق به دست آوردن غنائم بسیار دیگری داشت، حاضر به صلح نشد. در نتیجه در حالیکه سپاهیان ایرانی خسته شده بودند، رومیان با تمام توان برای نجات خود وارد جنگ شدند.

نقشه هراکلیوس استفاده از نیروی دریایی برای پیاده کردن نیرو و در نزدیکترین موضع به خاک ایران بود. به همین جهت در حالیکه سپاهیان ایران در عمق خاک روم پیشروی کرده بودند او با لشکریانش در گرجستان از کشتی پیاده شد و به سرعت به سوی آذربایجان یورش آورد. این اقدام او حمله ای به پشت جبهه ایرانیان محسوب می گردید و قبل از آنکه لشکرهای مختلف ایرانی به هم بپیوندند، آنها را غافلگیر کرده در هم شکست. هراکلیوس در حالیکه شهرها و روستاها را ویران می کرد از آذربایجان به سوی تیسفون پیشروی کرد. فرماندهی سپاهیان ایرانی برای مقابله با او را شخص خسرو پرویز بر عهده داشت.

زیرا شاهین در این زمان مرده بود و شهربراز نیز با قدرت تمام مواضع خود در شام و مصر را حفظ کرده بود. اما خسرو از مقابل هراکلیوس گریخت و ایرانیان را به شکست کشاند. یکی از علل این شکست بدرفتاری خسرو با سرداران و سربازان بود که آنان را بسیار آزرده خاطر ساخته بود.

پس از شکست از روم، سربازان و سرداران دست به شورش زدند، خسرو پرویز را دستگیر کرده و به زندان انداختند. جنگهای خسرو پرویز با رومیان نزدیک به ۲۵ سال طول کشید و تلفات و صدماتی که از این جنگ ها به ایران رسید یکی از عوامل مهم سقوط ساسانیان به شمار می آید.

سقوط حکومت ساسانیان

بزرگان ناراضی، خسرو پرویز را در زندان به قتل رسانده و پسرش شیرویه را در سال ۶۲۹ میلادی بر تخت نشاندند. اما او را نیز در همان سال کشته شد. ظرف مدت یک سال سه نفر بر تخت پادشاهی نشستند اما بلافاصله معزول یا مقتول گشتند. در آن زمان دسته بندی و کشمکش بر سر قدرت بسیار زیاد گشت به طوریکه گفته می شود ظرف مدت چهار سال دوازده نفر به سلطنت رسیدند ولی در کار خود موفق نبودند. در این زمان به علت ضعف پادشاهی و ناتوانی در دفع حملات رومیان و اقوام مهاجر وضع کشور بسیار نابسامان گشته بود و یزد گرد سوم آخرین پادشاه ساسانی نتوانست این اوضاع را بهبود بخشد.

هجوم اعراب به ایران در حکومت ساسانی

در حدود سال ۶۳۳ میلادی برابر با ۱۲ هجری قمری مسلمانان به مرزهای ایران رسیدند. قبل از آن محمد ابن عبدالله طی نامه ای به خسرو پرویز او را به اسلام دعوت کرده بود.

پس از مرگ محمد و در زمان خلافت ابوبکر، خالد بن ولید با سپاهیان عرب به مرزهای ایران در بین النهرین رسید. در مرزهای ایران یکی از روسای قبایل عرب مجاور مرزهای ایران به نام مثنی بن حارثه او را رهنمایی می کرد. تا قبل از خسرو پرویز وظیفه دفاع از مرزهای ایران در برابر بادیه نشینان با دولت حیره بود. اما چون خسرو پرویز دولت حیره را برداشت مرزبانان ایرانی عهده دار مقابله با بادیه نشینان شدند. خالد بن ولید در حمله به ایران مرزبانان را شکست داد.

در سال ۱۴ هجری برابر با ۶۳۶ میلادی در جنگ قادسیه لشکریان عرب بر لشکر ایرانیان به فرماندهی رستم فرخزاد پیروز گشتند به دنبال این شکست شهر مدائن پایتخت ساسانیان سقوط کرد. یزگرد سوم به مرکز ایران عقب نشینی کرد. در سال ۲۱ هجری در نزدیکی نهاوند سپاهیان ساسانی در برابر اعراب صف آرایی کردند. در این جنگ نیز لشکر ساسانی شکست خورد یزگرد سوم به شمال خراسان فرار کرد اعراب وارد ایران شدند و یکی پس از دیگری شهرها و آبادی ها بدست اعراب نابود شده و سقوط کردند.

در سال ۳۱ هجری یزگرد سوم در شمال خراسان به دست یک آسیابان که طمع لباس ابریشمی و زر بافت او را کرده بود کشته شد و بدین ترتیب در سال ۳۱ هجری برابر با ۶۵۲ میلادی دوران پرشکوه فرمانروایی سلسله ساسانی به پایان رسید.

هنرها و فنون دوران ساسانی

از مهمترین آثار بر جای مانده از دوران ساسانیان، ساختمانهای بزرگی است که از سنگ و گچ ساخته شده اند. این ساختمانها که شامل آتشکده، کاخ و قلعه می باشند در جای جای ایران به چشم میخورند. در دوره ساسانی شهرهای متعددی ساخته شد که همگی دارای برج و بارو و دیگر امکانات دفاعی بودند. مانند بیشاپور و فیروز آباد (پیروز آباد) در استان فارس، گندیشاپور، تیسفون و مانند آنها. در این شهرها آتشکده، کاخ و قلعه هایی وجود داشته که هنوز آثار آنها بر پاست. کاخ مدائن در نزدیکی بغداد، قلعه دختر در نزدیکی فیروز آباد و آتشکده فیروز آباد از جمله آنهاست. از بنا های مهم دوره ساسانی گندیشاپور بود که مرکز علمی و آموزشی و به قولی اولین دانشگاه جهان بوده است.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ساسانیان از آغاز تا پایان - مهارت ها (تاریخچه حکومت ساسانیان)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۶.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1100/pdf/ساسانیان-از-آغاز-تا-پایان-مهارتها>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵